

موای عشق جانان در سه مات  
جمال کاشن جان منظره مات  
دلارامی که برده است از دل آرا  
بکام دل چو چبان اندر بر مات  
شرابی را که جانم است از آن آ  
بیشماران بکود و ساغر مات  
ز جام عشق هر که کو جرعه ای نمیت  
فاده پشچو مادر کوثر مات

ز جام عشق هر که کو جرعه ای نمیت

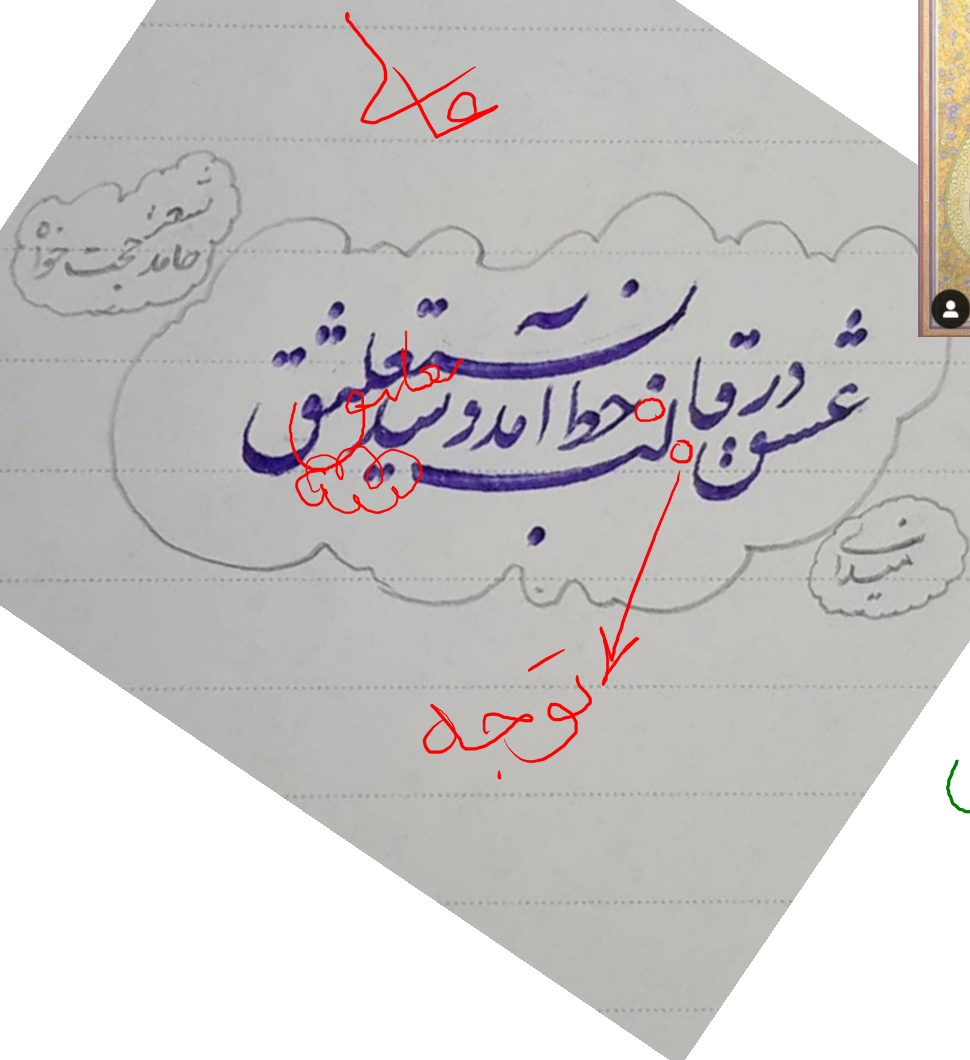
ز جام عشق هر که کو جرعه ای نمیت

موای عشق جانان است  
شمنظره مات  
ز جام عشق هر که کو جرعه ای نمیت

ز جام عشق هر که کو جرعه ای نمیت

ز جام عشق هر که کو جرعه ای نمیت

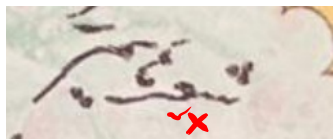
موای عشق جانان در سه مات  
جمال کاشن جان منظره مات  
دلارامی که برده است از دل آرا  
بکام دل چو چبان اندر بر مات  
شرابی را که جانم است از آن آ  
بیشماران بکود و ساغر مات  
ز جام عشق هر که کو جرعه ای نمیت  
فاده پشچو مادر کوثر مات



- (۱) وجود دایره
- (۲) وجود کسرها

عشق در قافله است و سیدین لفظ امد و رسیدن  
 (فتا - سند)

سید



الصل

سید

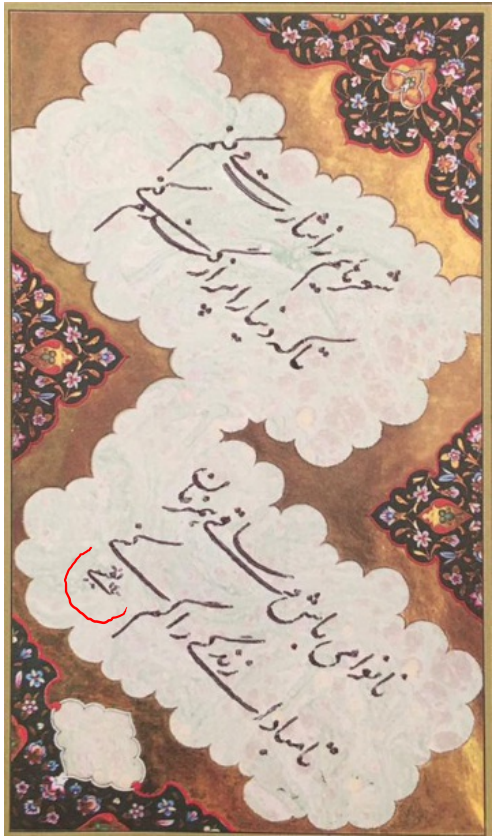
پیشینه

۱۴۰۰

سید



مهرکلا بلافاصله فرزند



صعود

اراده

صعود مکرر

صعود مکرر

مہر مندانیہ و ربا

پس این جا بیو ما غیبی  
نشد

این قسمت بجهت یادگیری با دید حرکت کلمه  
↓  
کلمه  
↓  
پیدا

شعرهایم را شارت می کنم  
تا که دنیا را پر از گندم کنی  
تا منو باشی شات هم فرا  
تا مبارک از زندگی را کم کنی

تغز جفتی کاش  
خط میدا

یک روز در کلاس خوش آنها و سطر:

نمیزان

این فصل بنویس  
کوتاه  
کلمه  
→  
صحنه (صحنه)

فوق العاده بستہ تر  
1mm  
ع

بازتر  
لستہ راستہ  
م

منظور است  
بسیاری عسویان در شمال کابل  
x

بسته  
اشرف غلام حسن  
شیرازی  
دو سر مال  
کتابخانه  
مأ

اکبر احمد زاده

شیراز ۱۳۰۰

حرف اول

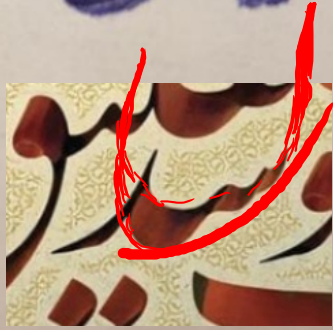
\* سفیدی داخل کلاه

ضیاء از ضیاء است مگر بیابان

اتصال نرم بلند خطا  
کانه

خطا و با خط ادوسریدین

زاویه شروع

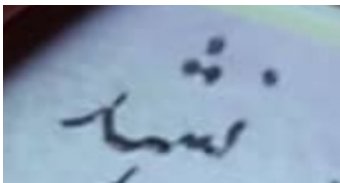
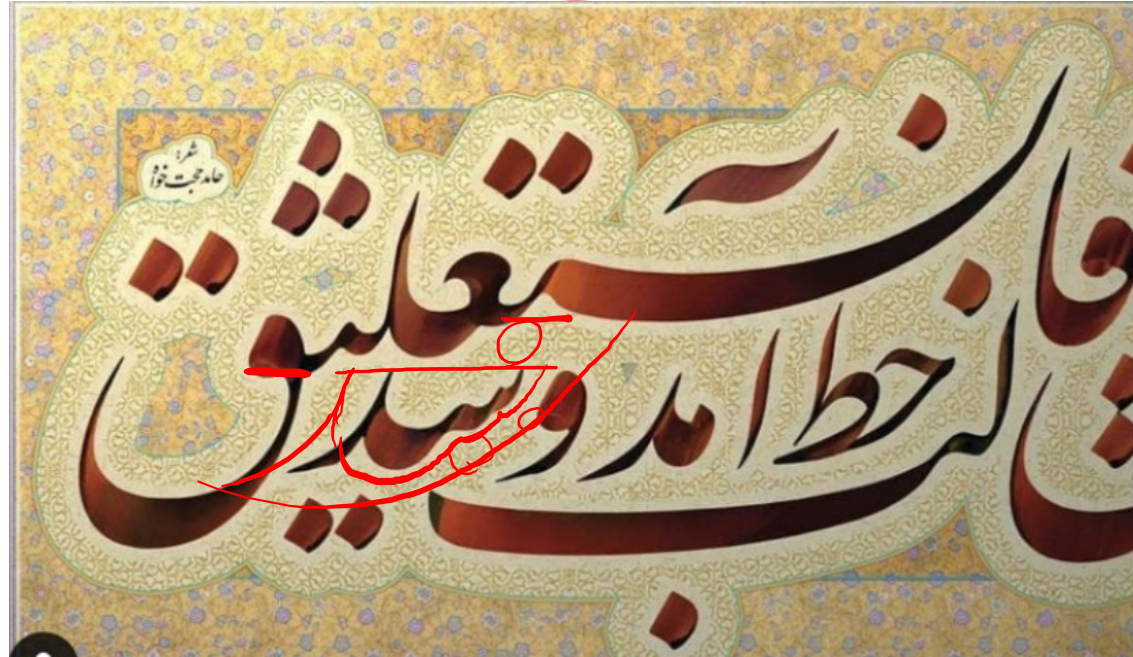
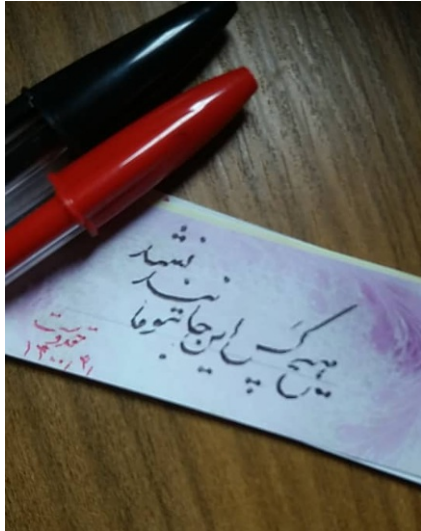


نقش  
نحوه





\* وقتی طاهر بر اقبال شد ← سبب اکرم



سوزش شیراز

سواى عشق جانم رسد ماست  
 جمال گلشن جانم ماست  
 دلدارمى كرده است از دل ارام  
 بكام دل جو حيان اندر ماست  
 شيرابى را كه چاهم مست امان است  
 بهشياران بكودر ساغر ماست  
 ز جام عشق كه كوچه عباى ماست  
 فزاده سحر محو در گز ماست  
 بهما سبب دادگر آرد سحر ماست  
 جواب داد ما برداور ماست  
 بياور رسم بايى بر سينه از

از دل ضناعت  
 \* فروع نازك نازك \*  
 \* لبه \*  
 جو

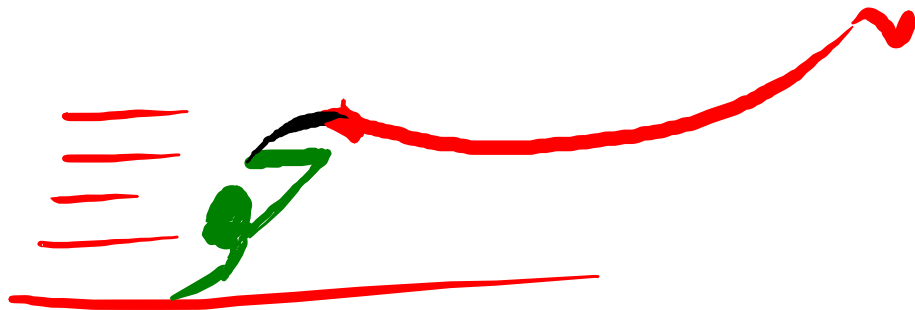
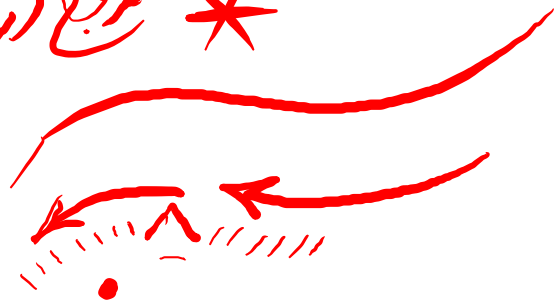
\* شروع از بالا

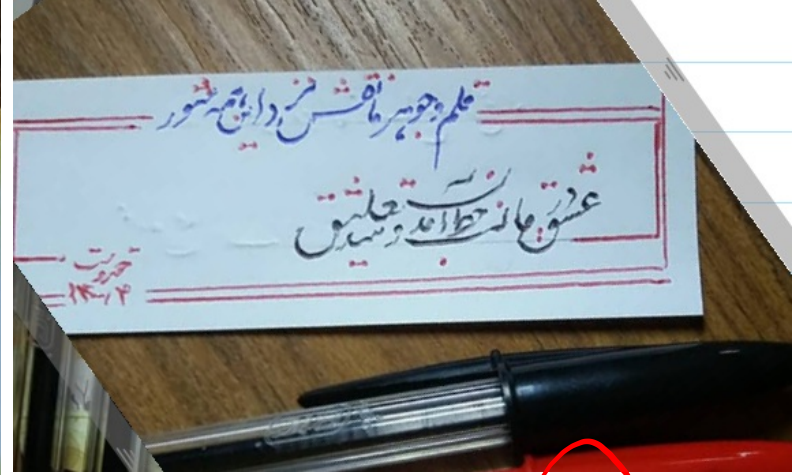
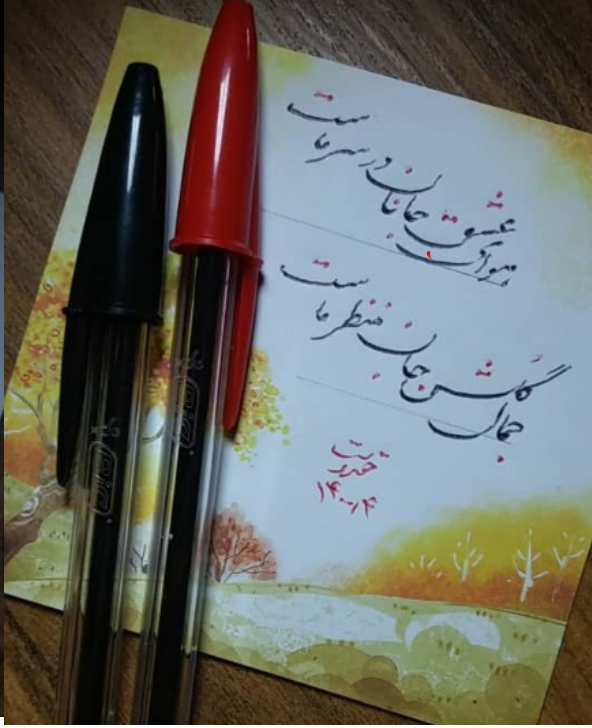


هوای عشق جانان ز کس است  
جمال گلشن جان منظر است  
دل را می که برده است ز دل آرا  
کام دل چو بیان اندر بر ما  
شرابی را که جانم مست از آن است  
بشماران بود در ساعه است  
ز جام عشق هوسگر کو جز عیلمی است  
قاده، پشمی مادر کو تر است  
بنا بیداد اگر آرد سحر  
جواب داد ما بر داور است  
بیاور رسم یاری بر سیندا  
پوشان رخ که آن در خور است  
بیا در روی عیش ما نظر کن  
کرت میل جمال دلبر است

تویوت  
۱۴۰۱/۴/۲۱

\* خروج از مالدی





عشق جان در سرناست

عشق جان در سرناست